



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د، ۵ (پیاپی ۴۰)، آذر و دی ۱۳۹۶، صص ۲۹۳-۳۱۸

## نشانه‌معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی<sup>(ع)</sup>

فاطمه اکبری‌زاده<sup>۱\*</sup>، مرضیه محمصص<sup>۲</sup>

۱. استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، تهران، ایران

پذیرش: ۹۶/۲/۲۵

دریافت: ۹۵/۹/۲۱

### چکیده

گفتمان قرآن گفتمانی چندلایه است. با بهره‌گیری از روش‌های مطالعه معنا، فرایندهای ارزشی معنا و جنبه کاربردی و تأثیری متن را تا حدودی می‌توان روشن کرد و از این میان، روش تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان، با بازخوانی نظام‌های سیال متن ضمن روساخت قالب‌بندی‌شده، چگونگی کارکرد، تولید و دریافت معنا را در نظام‌های گفتمانی تبیین می‌کند. این جستار با بهره از الگوی تنشی تحلیل به مطالعه شخصت آیه نخست سوره شعراء می‌پردازد که جهت‌الگودهی و آرامش‌دادن به پیامبر اکرم (ص)، گفتمان تبلیغی حضرت موسی (ع) را روایت می‌کند. فضای تنشی حاکم بر گفتمان آیات در عین دربرگرفتن نظام‌های گفتمانی مختلف با نوسان مرزهای معنایی، فرایند سیال معنا را در تعامل دو بُعد عاطفی و شناختی شکل می‌دهد. گفتمان آیات تعاملی است و متأثر از حضور حسی ادراکی و شوشی ر شرایط ناپایدار و غیرمنتظره قرار دارد؛ به طوری‌که در کشمکش طرف‌های گفت‌وگو با اتصال و انفصال در فضای گفته‌پردازی و نیز با رخداد زیبایی‌شناختی اعجاز، گفتمان به سمت مرکز عملیات گفته‌پردازی - که در اینجا «ربوبیت» است - سوگیری می‌کند تا فراتر از نقطه توازن و کنش تبلیغی در ابعاد زیبایی‌شناختی، نتیجه نهایی رقم بخورد.

واژه‌های کلیدی: گفتمان، قرآن، تحلیل نشانه‌معناشناسی، الگوی تنشی، موسی (ع).

## ۱. مقدمه

قرآن پژوهی ادبی و زبانی که بیشتر در حوزه مطالعات ساختاری و مضمونی منحصر بوده است، با تحول مطالعات زبان‌شناسی و ظهور نشانه‌شناسی پدیدارشناختی، به خوانش جدیدی از فرایندهای تعاملی گفتمان قرآن و ابعاد شناختی<sup>۱</sup> و عاطفی<sup>۲</sup> آن دست‌یافته است. مطالعات نشانه‌شناسی با گذر از سه مرحله - الف) مرحله تحول از ساخت‌گرایی سوسوری منحصر در مطالعات مکانیکی به دوران روح فردی تولیدات زبانی، ب) مرحله نشانه‌شناسی معنایی<sup>۳</sup> گرامسی مبتنی بر رابطه تقابلی قطب‌های معنایی و نظر به نقش گفته‌پرداز در مطالعات زبان، و ج) مرحله پساگرامسی<sup>۴</sup> - به بُعد تعاملی زبان در فعالیت گفتمانی و بررسی روابط حسی- ادراکی در تولید معنا توجه کرده است (ر.ک شعیری، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۳). این پژوهش قرآنی با تحلیل بر مبنای الگوی مطالعاتی نشانه‌شناسی شناختی گفتمان - که خود نوعی برآیند نشانه‌شناسی ساخت‌گرا و نظام‌روایی مطالعات معنایی است (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶) و در آن متن به‌مثابه محصول گفتمانی باز، پویا و در جریان در نظر گرفته می‌شود (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸) - به مطالعه گفتمان داستان موسی<sup>۵</sup> در بخش نخست سوره شعراء می‌پردازد و با بررسی نظام‌های گفتمانی<sup>۶</sup>، چگونگی تولید و دریافت معنا در بُعد تعاملی فضای گفته‌پردازی را تبیین می‌کند و روشن می‌سازد که گفتمان هوشمند چگونه به «میدان عملیات گفتمان»<sup>۷</sup> تبدیل می‌شود تا گونه‌های نو و ناآشنا در آن تکثیر و معناهای غیرمنتظره در آن تولید شوند.

گفتمان قرآن بر اساس انسجام و کلیت معنایی‌اش، داستان‌های انبیا را بر اساس اغراض منطقی و عاطفی در هر سوره بیان می‌کند (خلف‌الله، ۱۹۷۲: ۱۳۹-۱۴۰) و هر داستان در هر سوره با اسلوب متفاوت برای بیان حکمتی جدید ذکر می‌شود (مجد فقیهی، ۱۳۹۴: ۲۲). سوره شعراء سرگذشت هفت تن از انبیاء و گفتمان‌های آنان در تبلیغ امر رسالت را برای آرامش و روحیه‌دادن به پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در امر تبلیغ دین اسلام ذکر می‌کند. این آیات هنگامی نازل شدند که مسلمانان سخت در اقلیت قرار داشتند و هیچ‌گونه موازنه قدرتی وجود نداشت. در این سوره خداوند سرگذشت‌های مشابهی را از اقوام پیشین بیان می‌کند تا مسلمانان بدانند قدرت عظیم دشمن و ضعف ظاهری آن‌ها هرگز سبب شکست نخواهد شد و در نتیجه بر استقامت و پافشاری خود بیفزایند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۹۶). گفتمان آیات نخست سوره شعراء

نمودی از یک نظام گفتمان بسته برنامه‌مدار تبلیغی است؛ اما در ادامه درمی‌یابیم که نظام این گفتمان بیش از هر چیز تعاملی است و متأثر از حضور حسی ادراکی و شوشی در شرایطی ناپایدار و غیرمنتظره قرار می‌گیرد و معنا سیال و متکثر می‌شود.

این آیات در دو بخش قابل بررسی است: ابتدا داستان دعوت به هدایت و سپس داستان هجرت. نخست فرایند روایی این دو گفتمان بررسی می‌شود و بعد فضای تنشی شکل گرفته میان موسی و فرعون و اکاوی می‌شود. سپس الگوهایی که در هرکدام از دو فضای ارزشی گفته‌پردازی موسی و فرعون پیش‌گرفته می‌شود، بازنمایی می‌گردد و در پایان نیز ابعاد زیباشناختی جهت‌دهنده نتیجه گفتمان آیات ترسیم خواهد شد. لذا نگارندگان با خوانش فضای تنشی آیات در نظر دارند به این سؤالات پاسخ دهند: فرایندهای گفتمانی در داستان رسالت حضرت موسی<sup>(ع)</sup> دارای چه الگوی تنشی هستند؟ ابعاد معنایی، ارزشی و زیبایی‌شناختی نظام‌های تعاملی گفتمان تبلیغی موسی<sup>(ع)</sup> چه فرایندی را شکل داده است؟

## ۲. پیشینه تحقیق

در باب تبیین نشانه معناشناسی گفتمان می‌توان تألیفات شعیری را پیشتاز دانست. وی در کتاب *تجزیه و تحلیل نشانه معناشناختی گفتمان* (۱۳۸۵) به بررسی عملیات گفتمانی و عناصر و ابعاد آن می‌پردازد و در کتاب *نشانه معناشناسی ادبیات* (۱۳۹۵) ویژگی‌های چهار نظام گفتمانی را به تفصیل شرح می‌دهد. وی این ابزار تحلیلی را در بازنمایی لایه‌های سیال معنایی گفتمان قرآنی نیز به کار گرفته است. اخیراً برخی از پژوهشگران به خوانش نشانه معناشناختی گفتمان قرآنی توجه کرده‌اند، برخی مانند حق‌بین و بیدادیان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نشانه-معناشناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره قیامت بر پایه مطالعات نشانه‌شناختی گریماس» (۱۳۹۲) به بررسی نظام گفتمان روایی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره قیامت و ساختار زیربنایی و پدیدارشناسی زیبایی‌شناختی آن پرداختند و برخی مانند داودی مقدم در مقالات «بازنمایی انسجام در داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> بر اساس تحلیل نشانه معناشناسی گفتمانی» (۱۳۹۲) و «تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان در قصه یوسف<sup>(ع)</sup>» (۱۳۹۳) به توصیف و تبیین انواع نظام‌های گفتمان روایی در داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> و داستان حضرت یوسف<sup>(ع)</sup> پرداخته است. وی همچنین در مقاله «تحلیل ادبی زبانی داستان قرآنی

موسی<sup>(ع)</sup> و خضر از منظر نظام‌های گفتمانی «(۱۳۹۳)، نظام‌های گفتمان روایی داستان موسی<sup>(ع)</sup> و خضر در سوره کهف را تحلیل و از دید روایت داستانی، نمونه‌هایی از نظام‌های نشانه‌معنایی را توصیف کرده است. سعادات و همکارانش در مقاله «کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی، نشانه‌شناسی فرایندهای گفتمانی «کرامت» در قرآن با تکیه بر الگوی تنشی» (۱۳۹۲) در پی خوانش بر مبنای الگوی پساگرماسی آیات ناظر به کرامت در گفتمان قرآن برآمده‌اند. شریفی و نجم‌الدین نیز در مقاله «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن» (۱۳۹۳) با استفاده از همین الگو به تحلیل محورهای تنشی و معرفتی سوره در دو سطح جزئی و کلی و جمع بندی تأثیر انگیزشی و معرفتی بر مخاطب پرداخته‌اند. پاکتچی و همکاران در مقاله «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره «قارعه»» (۱۳۹۴)، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی با بهره از الگوی تنشی دلالت به ترسیم فرایندهای گفتمانی این سوره پرداخته‌اند و این الگو را به تفصیل توضیح داده‌اند. جستار حاضر نیز در ادامه تلاش‌های پیشین، در سوره‌های دیگر از قرآن، به بازخوانی نظام‌های سیال معنا در نظام تنشی گفتمان داستان موسی می‌پردازد.

### ۳. مفاهیم نظری

#### ۳-۱. گفتمان قرآن

ساحت چندوجهی قرآن کریم، نقش دوگانه معرفت‌بخشی و انگیزه‌بخشی دارد (شریفی، ۱۳۹۳: ۴۹). قرآن اثری منسجم و کلیت‌یافته است. نزول تدریجی قرآن نه تنها از وحدت آن نکاسته، بلکه رویکردهای درونی و مبتنی بر مسائل زبانی و سبکی قرآن، بر جلوه‌های پیوستگی و اعجاز زبانی آن افزوده است (میر، ۱۳۹۰: ۱۲) و انسجام گفتمان قرآن، در تمامی ابعاد معرفتی، موضوعی و ساختاری در یک سوره و در ارتباط سوره‌ها باهم در کلیت قرآنی قابل دریافت است.

#### ۳-۲. اتصال (پیوست<sup>۷</sup>) و انفصال (گسست<sup>۸</sup>) گفتمانی

گفتمان فعالیت زبانی، حاصل تعامل گفته‌پرداز و گفته‌یاب در موقعیت ارتباطی خاص است (ر.ک: شعیری، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). گفته<sup>۸</sup> محصول جریان تولید گفتمان یا همان گفته‌پردازی<sup>۷</sup> است. در

فرایند گفتمان سه مؤلفه عامل، زمان و مکان دخیل هستند. در تولید گفتمان با نوعی عمل‌کننده حسی ادراکی «جسمار» مواجه هستیم که با موضع‌گیری<sup>۱۱</sup> گفتمانی گاه متوجه مواضع کمیتی شده و باعث بسط یا گستره<sup>۱۲</sup> یا انفصال<sup>۱۳</sup> گفتمانی می‌گردد و گاه بر آنچه از درون موجب تنش و فشاره<sup>۱۴</sup> می‌شود، متمرکز شده و سبب قبض، فشاره یا اتصال<sup>۱۵</sup> گفتمانی می‌گردد (همان: ۳۰). در زمان تحقق عمل زبانی گفتمان برای تولید گفته راهی جز نفی مؤلفه‌های سه‌گانه -من، اینجا، اکنون- نیست که از طریق عملیات برش، این نفی صورت می‌گیرد که به ترتیب به «غیر من، غیر اینجا و غیر اکنون» بدل می‌شود (همان: ۲۵) و موجب افزایش گستره کلامی می‌گردد. عملیات اتصال گفتمانی با بازگشت به بنیان‌های گفتمان (من، اینجا، اکنون) موجب محدودیت حوزه کلامی است. به عقیده ژاک فونتنی<sup>۱۶</sup> اتصال گفتمانی با گستردگی در تضاد است و به مرکز اصلی گفتمان نزدیک است و موجب بالا رفتن فشاره یا فشردگی و قبض کلام می‌شود (فونتنی، ۱۹۹۸: ۹۴). به عقیده کورتز<sup>۱۷</sup> (۱۹۹۱: ۲۵۵) در بازگشت به مرکز گفتمان در عملیات اتصال گفتمانی، فضای گفته ناپدید می‌شود.

### (اتصال) قبض یا حصار گفتمانی # (انفصال) بسط یا گریز گفتمانی

#### ۳-۳. عملیات گفتمان

گفتمان، نوعی عملیات زبانی است که به شکل‌گیری معنا منجر می‌شود. گفتمان به دلیل پویایی‌اش، همواره ما را با نوعی موضع‌گیری گفتمانی، بسط روابط، تعامل بین نیروهای مختلف مواجه می‌کند (شعیری ۱۳۸۸: ۳۶). عملیات گفتمان از یک موضع به عنوان «مرکز»<sup>۱۸</sup> مرجعیت راهبردی» هدایت می‌شود (همان: ۳۲). «فضای گفته‌پردازی» (قلمرو خود اینجا اکنون)، محل بیشترین فشاره عاطفی و محدودترین گستره شناختی است. (فونتنی، ۱۹۹۸: ۹۳). افق<sup>۱۹</sup> های میدان گفتمان، گستردگی حوزه حضور گفتمانی را می‌سازند و بر گستره می‌افزایند و عوامل غیرعاملی و زمانی و مکانی را در گفتمان وارد می‌سازند (شعیری، ۱۳۸۵: ۳۲).

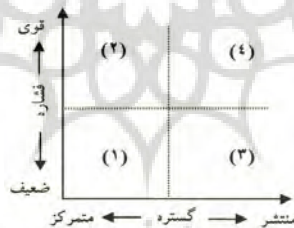
#### ۳-۴. الگوی تنشی<sup>۲۰</sup>

گفتمان به مثابه جایگاهی است که در آن، انسان در موقعیتی جهت‌مند و هدف‌مند با دنیا و اشیا، رابطه حسی- ادراکی، یعنی عاطفی و شناختی دارد. این پایگاه حسی- ادراکی ایجادکننده نوعی

حضور است که براساس آن فضای تنشی در رابطه‌ای نوسانی و فرایندی شکل می‌گیرد. براساس نظریه ژاک فونتنی طرح‌واره تنشی فرایند گفتمان چهار گونه است که بر روی دو محور X در بُعد فشاره (عاطفی) و محور Y در بُعد گستره (شناختی) قابل ترسیم است (فونتنی، ۱۹۹۸: ۱۰۰-۱۰۸): طرح‌واره فرایندی افت یا تنزل تنش؛ طرح‌واره فرایندی افزایش یا اوج فشاره عاطفی؛ طرح‌واره فرایندی همزمان قدرت فشاره‌ها و گستره‌ها؛ طرح‌واره فرایندی کاهش همزمان قدرت فشاره‌ها و گستره‌ها (ر.ک: شعیری، ۱۳۸۵: ۳۳-۴۴؛ شریفی، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۷). این چهار منطقه این‌گونه تصویر می‌شوند:

#### طرح‌واره تنشی فرایند گفتمان

- (۱) منطقه فشاره ضعیف و گستره متمرکز؛ (۲) منطقه فشاره قوی و گستره متمرکز؛  
 (1) Low intensity Area and Concentrated Extensity; (2) Strong Intensity Area and Concentrated Extensity  
 (۳) منطقه فشاره ضعیف و گستره منتشر؛ (۴) منطقه فشاره قوی و گستره منتشر.  
 Low Intensity Area and Diffused Extensity; (4) Strong Intensity Area and (3) Diffused Extensity



#### ۴. تحلیل نشانه معنانشناسی گفتمان آیات ۱۰-۶۸ از سوره شعراء

گفتمان سوره شعراء، بر اساس شوش (نگرانی) و حالت خاص روانی اجتماعی حاکم بر مسلمانان و پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> شکل گرفته که البته مشابه با حال پیامبران گذشته است و گفتمان‌های مختلف انبیا در طول سوره در ارتباط زنجیره‌ای باهم منسجم پیش می‌روند تا نمونه‌هایی مشابه از گفتمان تبلیغی به پیامبر اسلام باشند تا انواع استراتژی‌های گفته‌پردازی برای آن

حضرت در زبان وحی مرور شود و ایشان الگو گیرد. این عامل شوشی، به روایت فضای تنشی گفتمان داستان انبیا و نخست حضرت موسی<sup>(ع)</sup> منجر می‌شود

#### ۴-۱. عبور از گفتمان روایی کنشی به گفتمان سیال

در بررسی گفتمان این آیات به نظر می‌رسد که نوعی گفتمان بسته، برآمده از دستور شکل‌گرفته است که با الگوی روایی گفتمان گرماس قابل تحلیل است، آن‌گونه که معنا در قالب نظام گفتمانی بسته و مشخص تابع تغییر وضعیت از وضعیت اولیه به ثانویه بره یا برنامه‌ای منسجم است که همه چیز از یک نقصان آغاز و به عقد قرارداد منجر می‌شود. توانایی لازم برای کنشگر جهت انجام کنش، در افعال بایستن، توانستن، دانستن و خواستن جمع می‌شود و در نهایت کنش لازم و ارزیابی<sup>۲۱</sup> شناختی و عملی آن صورت می‌گیرد (ر.ک: شعیری، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۶).

عقد قرارداد فرایند روایت گفتمان تبلیغی موسی<sup>(ع)</sup> از نقطه نقصان یعنی ابلاغ رسالت و دعوت به ایمان و تقوی و به تبع آن رفع ظلم از بنی اسرائیل آغاز می‌شود. گفتمان تبلیغ با فرمان پروردگار جهت رفع نقصان ضلالت بنی اسرائیل آغاز می‌شود. نظام گفتمان هوشمند، آمرانه، دستوری با برنامه مشخص است (ر.ک: همو، ۱۳۸۸: ۱۷) و فرمان وحی در همین نظام گفتمان ابلاغ می‌شود (شعراء/ ۲۶-۱۰/ ۱۱). موسی مأمور می‌شود تا بنی اسرائیل را به تقوی دعوت کند. پیمان درونی بر مبنای میثاق رسالت شکل می‌گیرد؛ اما ضعف روحیه موسی<sup>(ع)</sup> در مواجهه با دشمن سرکش و قوی چون فرعون مانع تحقق کنش است. موسی<sup>(ع)</sup> در برابر وظیفه خود از چهار چیز محلّ تحقق گفتمان دستوری وحی، بیمناک است (فضل‌الله، ۱۳۹۲: ۲۸۰): تکذیب، ضیق صدر، عدم فصاحت کافی و قصاص (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۱۹۸). موسی به‌عنوان کنشگر گفتمان تبلیغی در مواجهه با ضد کنشگر<sup>۲۲</sup> (فرعون)، کنش‌یاری<sup>۲۳</sup> چون برادرش هارون و نیز توانمندی زبانی و اندیشگانی می‌طلبید (شعراء/ ۱۲/ ۲۶-۱۴). کنش‌گزار اصلی (خداوند) فراتر از خواسته او، در کنار او و برادرش قرار می‌گیرد:

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبْ بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ (شعراء/ ۱۵/ ۲۶)

واژه «كَلَّا: هرگز» در نهایت ایجاز و تأکید، جای هیچ بهانه و نگرانی را باقی نمی‌گذارد. «إِنَّا مَعَكُمْ» خداوند خود را در کنار آن‌دو قرار می‌دهد تا جمع این حضورها به قدرتی عظیم برای کنش مبدل شود. اینجا با نظام گفتمانی کنشی-تجویزی مواجه‌ایم. کنش‌گزار<sup>۲۴</sup> برای تحقق

ارزش<sup>۲۵</sup>، به شکل دستوری کنش لازم را انجام می‌دهد (ر.ک: شعیری، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۹). دستور امری «إِذْهَبَا: بروید» برای تحقق ارزش (ترسیم ربوبیت و هدایت به آن) داده می‌شود و موسی<sup>(ع)</sup> با آگاهی، اراده و شناخت و باورمندی وارد کنش در عملیات گفتمان تبلیغی می‌شود.

#### «نظام روایی کنشی»

نقصان یا بحران ← توانش در تحقق و تصاحب ابژه ارزشی ←

کنش ← ارزیابی شناختی و عملی

موسی وارد کنش می‌شود و به تبلیغ امر وحی مبادرت می‌ورزد؛ اما روند روایت در آخرین مرحله، یعنی «ارزیابی کنش»<sup>۲۶</sup> شکلی متفاوت می‌گیرد. در این مرحله کنشگر بر اساس موفقیت یا شکست در کنش باید پاداش گیرد یا تنبیه شود (شعیری، ۱۳۹۵: ۴۰)؛ اما در گفتمان آیات خبری از چنین ارزیابی نیست و اینجاست که دیگر فرمول تحلیلی نظام روایی پاسخگو نیست. دیگر نمی‌توان حضور معنا ساز را به رابطه تقابلی و عینی با ابژه تقلیل داد، بلکه گفتمان تحت کنترل رابطه‌ای حسی-ادارکی پیش می‌رود و نتیجه حاصل می‌شود.

داستان گفتمان آیات در دو بخش، صحنه مواجهه با فرعونیان است: ابتدا ابلاغ دعوت که از آن سخن رفت، و دیگری هجرت که برش گفتمانی آیات ۵۲-۶۸، صحنه هجرت را ترسیم می‌کند. «هنگامی که موسی<sup>(ع)</sup> حجت را بر آن‌ها تمام کرد، و صفوف مؤمنان و منکران مشخص شد، دستور کوچ کردن بنی اسرائیل به موسی داده شد» (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۵/۲۳۶). این دومین نظام روایی با دستور هجرت شکل می‌گیرد (شعراء/ ۲۶/ ۵۲). عقد قرارداد گفتمان هجرت، با نقطه نقصان اتمام حجت و شدت گرفتن اضطراب با دستور الهی در عین ایمان قلبی به همراهی و پشتیبانی خداوند، توانش<sup>۲۷</sup> لازم برای کنش هجرت را فراهم می‌سازد. موسی، بنی اسرائیل را بسیج می‌کند و فرمان حرکت می‌دهد؛ اما باز هم نتیجه و ارزیابی طبق روندی برنامه‌مدار و منطقی حساب شده نیست که بتوان در روند نظام روایی بررسی کرد، بلکه اموری فراطبیعی و خارق‌العاده نتیجه روایت را رقم می‌زنند و بُعد زیبایی شناختی حاکم تعیین‌کننده معنا می‌گردد.

روشن است آنچه در گفتمان آیات رخ می‌دهد جریانات و فرایند تعاملی است که شرکای گفتمانی با ارائه سبک خاصی از حضور در تعامل دو بُعد شناختی و عاطفی شکل می‌دهند. معنا دیگر تنها برآمده از نظام بسته درون گفتمان نیست بلکه معانی در ارتباطات انسانی و تنش



موجود در میان فرایندهای دلالت به معنای تازه و نو تبدیل می‌شوند (شریفی، ۱۳۹۳: ۵۴). از همین رو در اینجا الگوی سیال تنشی قابل پیگیری است.

## ۲-۴. تحلیل نظام گفتمان تنشی

گفت‌وگوهای آیات نخستین سوره شعراء، رابطه تنگاتنگی با بافت تنشی برآمده از نگرانی پیامبر از روند هدایت و تأثیرپذیری مردم و مخالفان دارد. «شاید تو از غصه و غم و اندوه خود را تلف کنی، برای اینکه این کفار و مشرکین ایمان نمی‌آورند» (شعراء/۳/۲۶) و از این رو «همین‌که گفت‌وگوها به پایان می‌رسد تنش پنهان در موقعیت که سبب اظهارات به نسبت ملایم آغازین، مجالی برای بروز نیافته بود، به ناگاه قوت می‌گیرد» (میر، ۱۳۹۰: ۱۵۹). تکرار این مضمون: «آنان که حقیقت را انکار می‌کنند حتی با دیدن معجزه هم متقاعد نخواهند شد» در نه آیه اول سوره و آیات ۱۶-۳۷ به جهت‌گیری‌های حسی ادراکی در برابر حق و شکل‌گیری معنا در فضای تنشی اشاره دارد. سوره هربار با تکرار دو آیه کلیدی «إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (شعراء/۳۶/۸-۹، ۶۷-۶۸، ۱۰۳-۱۰۴، ۱۲۱-۱۲۲، ۱۳۹-۱۴۰، ۱۵۸-۱۵۹، ۱۷۴-۱۷۵، ۱۹۰-۱۹۱) وارد روایت سرگذشت انبیای گذشته می‌شود و همچون حلقه‌ای پیوندی در انتهای هر بخش از داستان انبیا تکرار می‌شود تا همه زنجیرهای گفتمانی در یک سلسله منسجم در پاسخ به پیامبر قرار گیرند.

### ۱-۲-۴. تحلیل فرایندهای گفتمانی (در ابعاد حسی-ادراکی)

در نظام گفتمانی تنشی، کنش تحت کنترل وضعی تنشی تنظیم می‌شود و ابژه از وضعیت بیرونی خارج می‌گردد و وضعیتی درونی می‌یابد (شعیری، ۱۳۹۵: ۳۸). حضرت موسی (ع) در فضای تنشی حاکم بر گفتمان، در نخستین موضع‌گیری، خود و برادرش را «فرستاده رب‌العالمین» معرفی می‌کند تا از همان نقطه‌ای که توانش لازم را به‌دست آورده است، وارد عملیات گفته‌پردازی شود. از همین جا مرکز عملیات گفتمان در نقطه «ربوبیت» شکل می‌گیرد و گفته‌پردازی از عمق فضای تنشی استوار بر مجموعه جریان‌های حسی ادراکی آغاز می‌شود.

إِنَّا رَسُوْلُ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ (۱۶) اُرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيْلَ (۱۷)

در گفت‌وگوی میان موسی و فرعون، هریک سعی دارند دیگری را به حاشیه برانند و

وضعیت طرف مقابل را بی‌اثر و ضعیف جلوه دهند. هریک می‌کوشند بر دیگری تأثیر بگذارند و کنش‌گزار باشند و توانش او را به سمت کنش مطلوب خود سوق دهند. هر دو گفته‌پرداز به‌عنوان شرکای گفتمانی در تعامل با هم، سعی دارند مرکز عملیات گفته‌پردازی را برای تأثیر بر مردم به دست‌گیرند؛ لذا انتساب به «ربوبیت» اهمیت می‌یابد. فرعون در نخستین گام خود را «رب» می‌خواند و با بازنمایی خاطرات سعی می‌کند دایره عملیات منتسب به خویش را توسعه دهد. فضای تنشی، فضایی سیال دارای عمق دوسویه است که می‌تواند پیش‌تنیده (خاطره‌ای در گذشته‌های دور) یا پس‌تنیده (انتظاری در آینده) باشد (شعیری، ۱۳۸۵: ۹۶-۹۷). فرعون با تأکید بر ربوبیت خود، با ذکر خاطراتی از گذشته و نیز با ترسیم آینده سعی می‌کند (ر.ک: شعراء/۱۸/۲۶-۱۹) تا عمق فضای تنشی گفتمان از گذشته تا آینده (چه از نظر زمانی و چه از نظر مکانی) تنیده شود. فرعون از خاطره ربوبیت خود در پروراندن و بزرگ کردن موسی<sup>(ع)</sup> می‌گوید و موضوع را به سرنوشت آینده او یعنی حمایت از وی در قضیه قتل‌ی که انجام داده‌است، می‌گوید تا با برانگیختن احساسات او و نیز خاطرنشان‌کردن عواقب مخالفت با فرعون، او را به با خود همراه سازد اما موسی<sup>(ع)</sup> این فرایند را به چالش می‌کشد و با پاسخ‌های قاطعانه (ر.ک: شعراء/۲۰/۲۶-۲۲)، توطئه او را خنثی می‌سازد.

موسی<sup>(ع)</sup> اتهام را انکار نمی‌کند؛ اما توضیح می‌دهد که در زمان ارتکاب خطا از گمراهان بوده است. وی بخشی از صحبت خود را حذف می‌کند تا نشان دهد حمایت خاندان سلطنت را در خور مکالمه نمی‌داند. موسی<sup>(ع)</sup> نه تنها از دام فرعون می‌گریزد، بلکه فرعون را مقصر و مجرم جلوه می‌دهد (میر، ۱۳۹۰: ۱۶۱). فرعون درمانده، مسیر کلام را تغییر می‌دهد و به‌منظور تجاهل و تحقیر، مرکز عملیات گفته‌پردازی، یعنی نقطه «ربوبیت» را نشانه می‌گیرد و با لحنی طعنه‌آمیز و گزنده می‌پرسد: «وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۳): پروردگار عالمیان چیست؟». فرعون ضمن انفصال از فضای گفتمانی موسی<sup>(ع)</sup> سعی می‌کند بنیان آن را به چالش بکشد. موسی<sup>(ع)</sup> نیز بدون توجه به نیت و لحن فرعون، پرسش او را بسیار جدی پاسخ می‌دهد (میر، ۱۳۹۰: ۱۶۱). مرکز فضای گفته‌پردازی که نقطه تراکم انرژی‌ها و فشارها یا همان مرکز ارجاع عملیات گفتمان است (پاکتچی، ۱۳۹۴: ۵۳)، در نقطه مرکزی «ربوبیت رب‌العالمین» پی‌ریزی می‌شود. با توجه به اینکه هدف، تأثیر در قلب فرعون و مردم جهت پذیرش حق است، لذا خط مشی روش تبلیغی موسی<sup>(ع)</sup> و هارون در چارچوب کلام آرام و بامحبت (فضل‌الله، ۱۳۸۹: ۲۸۱)،

یعنی در اوج فشار عاطفی است. موسی<sup>(ع)</sup> در فرایندی افزایشی<sup>۲۸</sup> از همان مرکز فشار عاطفی قوی، مرکز ربوبیت را در پیوند با ابژه‌های متعدد دیگر قرار می‌دهد و با گسترش جهان گفته، گستره شناختی را منتشر<sup>۲۹</sup> می‌کند و در گزاره‌ای کلی و جهان‌شمول، ربوبیت خداوند را در دایره تمام هستی ترسیم می‌سازد.

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۴) « قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ (۲۶) » قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۲۸)



شکل ۱. الگوی تنشی با فرایند افزایشی

Figure 1. Amplificational Tensive Pattern

در فرایند افزایش هم‌زمان قدرت فشارهای عاطفی و گستره‌های شناختی، انگیزش عاطفی و کنشی جهت حرکت به مسیر هدایت صورت می‌گیرد.

از اینجا به بعد، فرعون و موسی هریک به‌عنوان گفته‌پرداز، در دو میدان عملیات به مبارزه برمی‌خیزند و هریک در تعامل با مردم به‌عنوان گفته‌یابان فضای تنشی خاصی را حاکم می‌کنند، لذا در اینجا با دو فضای تنشی «گفتمان فرعون» و «گفتمان موسی» مواجه هستیم.

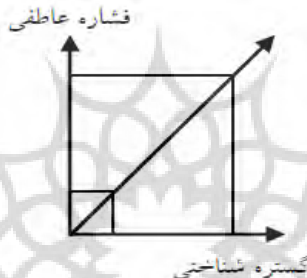
#### الف) فضای تنشی گفتمان فرعون

فرعون به‌عنوان گفته‌پرداز با حفظ فشار عاطفی و تأکید بر ربوبیت و قدرت و حاکمیت خود، همچنین با وارد ساختن مردم به فضای گفته‌پردازی، بر گستره فضای تنشی گفتمان می‌افزاید.

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ (۲۵) ... إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (۲۷) قَالَ لئنِ اتَّخَذَتْ

## إِلَٰهًا غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ (٢٩)

اینجا و در تعامل فرعون با مردم، ابتدا در نظام گفتمان احساسی شاهد گفتمان تنشی-عاطفی هستیم. فرعون با استفاده از فضای تنشی می‌کوشد با تغییر احساسات شوشگران آن‌ها را به سوی کنش مطلوب یعنی انقیادپذیری سوق دهد (ر.ک: خراسانی، ۱۳۸۹: ۶۲). فرعون از ناحیه موسی احساس خطر می‌کند و با تمسخر و لحن هشدار در فشاره عاطفی بالا بر مردم متمرکز می‌شود و سپس گستره را بیشتر می‌کند تا بحران شامل آنان و نیاکانشان شود.



شکل ۲. الگوی تنشی با فرایند افزایشی

Figure 2. Amplificational Tensive Pattern

بدین ترتیب فرعون در مقابله با موسی با گسترش دامنه مخاطبان گفتمان خود و فشاره‌های عاطفی شورمند<sup>۳۰</sup> از نقطه ربوبیتی که خود بر مردم دارد، به‌طور مستقیم بر آنان تأثیر می‌گذارد تا با جوسازی تنشی-عاطفی، دینامیسم حرکت مخاطبان را جهت دهد و خواستن و بایستن به آن‌ها دیکته گردد و با فرعون همراه شوند. همچنین فرعون فضای گفته‌پردازی خود را ارزشمند و گفتمان موسی و یارانش را گفتمانی بیگانه و قابل‌حذف می‌سازد. با عبارت «رسولکم»، موسی<sup>(ع)</sup> را به مخاطبان خود منتسب می‌کند و نسبت جنون و دیوانگی به او می‌دهد تا نه تنها او بلکه پیروانش را نیز شامل شود و اثر منطقی نیرومند او را در افکار حاضران خنثی کند. فرعون تهدید می‌کند که اگر بدون اجازه ایمان آورند همه را زندانی خواهد کرد. حرکت دیگر، در سبک حضور تنشی-کنشی<sup>۳۱</sup> در روندی برنامه‌مند، دستیابی به ارزش‌هاست (ر.ک: شعیری، ۱۳۹۵: ۴۵)؛ لذا در فضای تنشی گفتمان فرعون، مطابق الگوی

تجویزی که «رابطه‌ای عقلانی برنامه‌مدار و قراردادی میثاقی» (شعیری، ۱۳۹۵: ۲۹) است، فرعون در فرایندی کنشی هوشمند، به تحدی امر می‌کند (شعراء/ ۲۶-۳۰/ ۳۱). یکی از ابزارهایی مخالفان رسالت، اتهام‌زنی است (خرسندی، ۱۳۷۹: ۱۶۳-۱۶۵). فرعون برای عاجز نشان دادن موسی با دروغ‌گو خواندن او، از او می‌خواهد معجزه بیاورد: «اگر راست می‌گویی آن را بیاور!». گفتمان فرعون با حفظ همان روند افزایشی ساختار فضای تنشی ذکرشده و تقویت ربوبیت فرعون، برای تحریک مردم نوعی مشارکت می‌جوید تا با ایجاد باور در آن‌ها، جهت انجام کنش مطلوب، کنار او جمع شوند. وی شروع به تخطئه موسی<sup>(ع)</sup> می‌کند:

قَالَ لِمَلَأَ حَوْلَهُ إِنِّ هَذَا كَسَاحِرٌ عَلِيمٌ<sup>(۳۴)</sup> يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ<sup>(۳۵)</sup> وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مَجْتَمِعُونَ<sup>(۳۹)</sup>

در جریان شناختی با دو ابزار تأثیرگذاری شناختی یکی مجابی و دیگری تفسیری مواجه‌ایم و باورهای فرهنگی اجتماعی حاکم به عنوان باور ارجاعی و نیز روش تهدید، ترس یا تحریک، به مجاب نمودن منتهی می‌شود (شعیری، ۱۳۸۵: ۶۴-۶۵). پس فرعون با القا<sup>۳۲</sup>، آنان را به سمت انکار و تقبیح موسی<sup>(ع)</sup> سوق می‌دهد. جریان شناختی که فرعون ایجاد می‌کند (هرچند از جهت ارزشی بر پایه فریب است)، برای مجاب<sup>۳۳</sup> نمودن و نه اقصاع مؤثر است؛ لذا در بخش اول داستان، مردم را مجاب می‌کند که باید در برابر موسی<sup>(ع)</sup> بایستند؛ پس پیشنهاد مقابله سحران با موسی را می‌دهند (شعراء/ ۳۶-۳۷/ ۳۷). اینجا اطرافیان فرعون یا اغفال می‌شوند یا آگاهانه این تهمت او را می‌پذیرند که او «ساحر» است و در مقابل ساحر باید از سحران ماهرتری کمک خواست (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۲۰). در اینجا شاهد گفته‌پردازی سحران هستیم:

قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ<sup>(۴۱)</sup> نَعَمْ وَ إِنَّا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ<sup>(۴۲)</sup>

تأکیدات کلامی و اطمینان سحران به موفقیت و اضطرار موقعیت فرعون، تعاملی کنشی برپایه القائات فرعون است و فرعون جزای آنان را در تقرب به خود تعیین می‌کند؛ اما بعد از تغییر سحران، فرعون شگفت‌زده تلاش می‌کند مردم را با خود همراه سازد. وی وانمود می‌کند این سرپیچی ناشی از تأثیر دعوت موسی<sup>(ع)</sup> در ردّ سلطه فرعون نیست و توطئه‌ای از پیش طراحی شده است (فضل‌الله، ۱۳۸۹: ۲۹۲)؛ پس در گفتمانی تنشی - عاطفی با بالا بردن فشار عاطفی و در گستره پرشمار، همه را به مرگ و شکنجه تهدید می‌کند یا با اتهام‌زنی به

دسیسه، سعی دارد توانش آن‌ها را از بین ببرد، بر کنششان تأثیر بگذارد، با جوسازی تنشی - عاطفی، مردم (به خصوص ساحران) را در مسیر همراهی خود قرار دهد و همه را به قتل و نابودی و اخراج تهدید کند (شعراء/۹۶/۲۶) که البته سودی ندارد.

در بخش دوم داستان (هجرت) نیز فرعون به هدف مبارزه با موسی<sup>(ع)</sup> و یارانش به منظور بسیج عمومی نیروها برای مغلوب ساختنشان، از گفتمان القایی استفاده می‌کند:

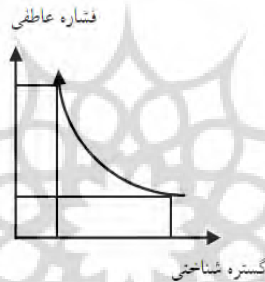
إِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ (۵۵) وَ إِنَّا لَجَمِيعٌ خَائِرُونَ (۵۶) فَأَتَبِعُوهُمْ مُشْرِقِينَ (۶۰)

در نظام القایی، تعامل میان هر دو طرف گفتمان، سبب تعیین یا شکل گرفتن کنش می‌شود و یکی از دو طرف باید دیگری را متقاعد کند (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۸). فرعون با افزایش فشار عاطفی و استفاده از القا با راهکارهایی چون تحریک، فریب، وسوسه و اغوا به بهانه اینکه موسی و یارانش اندک‌اند، ما را به خشم آوردند و ما آماده پیکار با آنان هستیم، توان لازم را در یاران خود فراهم می‌کند تا لزوماً همگان برای از بین بردن بسیج شوند؛ هرچند ارزیابی نهایی عملکرد، نتیجه‌ای فراکنشی است. در فضای تنشی ترسیم‌شده در گفتمان فرعون، سبک حضور گزینشی و حذفی و فشارهای تأکید می‌شود. در این سبک تنشی گزینشی<sup>۳</sup>، با عدم پذیرش فضای بیگانه، این فضا در وضعیت فشارهای محکوم به حذف است (شعیری، ۱۳۹۵: ۴۷). فرعون در اینجا موسی<sup>(ع)</sup> و به تبعش پیروان او را در گسست گفتمانی با فضای گفتمانی خویش قرار می‌دهد تا مردم بدانند که عواقبی مانند بیرون رانده شدن و مجازات که بر سرشان می‌آید، برآمده از انتخاب این سبک حضور است.

#### ب) فضای تنشی گفتمان موسی<sup>(ع)</sup>

موسی<sup>(ع)</sup> ضمن نفی خداوندگاری فرعون، فضای گفته‌پردازی فرعون (برپایه ادعای ربوبیت خود) را فضایی بیگانه می‌خواند و ربوبیت صرفاً به خداوند جهانیان منتسب می‌کند. موسی<sup>(ع)</sup> در نقض نظام شوشی فرعون از عقلانیت و یقین می‌گوید و پروردگار را ربّ تمام مشرق و مغرب و آسمان‌ها و زمین و مابین آن‌ها می‌خواند؛ امری که بر کسی پوشیده نیست مگر آنان که از تعقل و یقین به‌دورند. فضای تنشی گفتمان موسی<sup>(ع)</sup> در چالش با فضای تنشی گفتمان فرعون در خطاب با مردم قرار می‌گیرد تا حقیقت جلوه‌گر شود و مردم خود، سبک حضور خویش را برگزینند. فرعون با تأکید بر ربوبیت خود، جذب گستره فراوان از مردم را در دستور کار خود می‌دهد و از مردم و ساحران به هر ترفندی برای همراهسازی با خود استفاده می‌کند

تا در فرایند افزایشی تنش گفتمان، موقعیت خود را به عنوان مرکز گفته‌پردازی در جامعه حفظ کند؛ اما در فضای تنش گفتمان موسی<sup>(ع)</sup>، بیشتر تأکید بر پیوست حضور در دایره گفتمان با مرکزیت ربوبیت حق تعالی است. این پیوست حضور، عملیات گفتمان را متمرکز<sup>۳۵</sup> می‌کند (فونتی، ۱۹۹۸: ۵۸). موسی<sup>(ع)</sup> در ابتدا درخواست خود را با نام مردم مطرح می‌کند و با فرایندی افزایشی به گفته‌پردازی می‌پردازد تا در فشار عاطفی قوی، مردم را در سایه فضای گفتمانی ربوبیت الهی قرار دهد؛ اما در ادامه گفته‌پردازی، فرایند نظام تنش گفتمان رسالت به سمت مرکز عملیات و در جهت یکی کردن گستره‌های وجودی متعدد در ذات وجود ربوبی پروردگان، در عمق<sup>۳۶</sup> پرفشار عملیات گفتمان قرار می‌گیرد.



شکل ۳ الگوی فشاره‌های تنش

Table3. The pattern of Tensive Intensity

در این فرایند صعودی<sup>۳۷</sup>، «در بعد التفاتی<sup>۳۸</sup> سوژه به‌سوی چیزهایی روی می‌آورد که در درونش یک فشاره و نیروی حس آگاه برمی‌انگیزد» (پاکتچی، ۱۳۹۴: ۵۱). اینجا نوع حضور التفاتی است. به‌سبب معجزات، همه در عمق فضای گفته‌پردازی وارد و در آن جذب می‌شوند به‌طوری‌که ضمیر «ما» مشتمل بر همه آن‌هایی است که در اتصال به رب «ربنا» قرار می‌گیرند.

قَالُوا يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۷) ... قَالُوا لَا ضَيْرَ لَنَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (۵۰) إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبِّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (۵۱)

لذا در دستور به هجرت نیز می‌بینیم مخاطبان (مردم) با ورود به فضای گفته‌پردازی (قلمرو خود و اینجا و اکنون) تبدیل به «ما» شدند و خداوند نیز با تأکید بر این اتصال، می‌فرماید با «بندگان من» «بعبادی» (شعراء/۲۶/۵۲) هجرت کن. پس مخاطبان گفتمان تبلیغی از افق دور در

قلمرو گفته‌پردازی به مرکز «ربوبیت» نزدیک شده و به عمق وارد شدند تا در پیوند با «رب‌العالمین» با انگیزگی فراوان و با عاطفه قوی حضور یابند. در داستان هجرت، که مردم در برابر خود دریا و در پشت سر لشکر فرعون را که به دنبال نابودی‌شان است، می‌بینند نگران و دچار نوعی لغزش می‌شوند و بیم این می‌رود «ما»ی شکل‌گرفته توسط فرعونیان نابود شود.

قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ (۶۱) قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (۶۲)

اضطراب و نگرانی یاران به شکل‌گیری گفتمانی عاطفی از نوع حسی-ادراکی در نظام تعاملی مبتنی بر نوعی هم‌سویی یا هم‌ارتباطی<sup>۳۹</sup> حضوری منجر شده است. شیوه حضور هریک از طرفین سبب تولید حسی مشابه و سپس حرکت و کنشی مشابه در طرف دیگر می‌گردد (شعیری، ۱۳۸۱: ۸۵). در این لحظه حساس رویارویی، تعامل بر اساس هم‌ترازی عاطفی شکل می‌گیرد و اطمینان خاطر در موسی<sup>(ع)</sup> به یاران تسری می‌یابد تا با استقامت در مسیر ایمان گام نهند. پیوست به مرکز قوی ربوبیت و اتصال به او و آرامش خاطر در عدم رسیدن هرگونه گزند به مردم، بر بُعد التفاتی گفته‌پردازی «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي: پروردگارم با من است» تأکید دارد. موسی<sup>(ع)</sup> با قاطعیت اطمینان می‌دهد خداوند با ماست و نتیجه نهایی به دست اوست. کنش-گزار اصلی (رب) از نقطه اوج فشاره با ابرکنشی اعجازی، نتیجه را رقم می‌زند.

#### ۲-۲-۴. تحلیل بُعد زیبایی‌شناختی<sup>۴۰</sup> گفتمان

در دو فضای تنشی گفتمان موسی<sup>(ع)</sup> و فرعون، مردم به‌عنوان مخاطبان یا همان گفته‌یابان، هدف هستند تا تحت تأثیر قرارگیرند و به‌سوی عمق مرکز عملیات گفتمانی هدایت شوند. همان‌طور که پیش‌تر دیدیم فرعون با سبک حضور تنشی-کنشی، برنامه‌ای طراحی می‌کند و ساحران را به مبارزه با موسی<sup>(ع)</sup> می‌خواند و با بالا بردن فشاره عاطفی حاکم بر گفتمان، گستره زیادی از مردم را موردنظر قرار می‌دهد؛ اما در فضای گفتمان ربوبیت الهی که موسی<sup>(ع)</sup> شکل می‌دهد همه چیز از درون شکل می‌گیرد و باطن افراد متحول و قلب‌ها متمایل می‌شود؛ یعنی نوعی وضعیت رخدادی در سبک حضور تنشی-شوشی. وقتی شوش بسیار دفعی و یک‌باره تابع لحظه‌بارقه<sup>۴۱</sup> باشد، حالت از خود بیخودی رخ می‌دهد و شوشگر در وضعیت شوریدگی حضور به سر می‌برد (شعیری، ۱۳۹۵: ۴۴). اینجا ساحران در یک لحظه، در وضعیت کوبشی تکانه‌ای قرار می‌گیرند و در برابر معجزه الهی متنافر با سحرشان، خیره می‌مانند و قدرت عمل از کف



می‌دهند و در یک شوک حسی ادراکی غافلگیر و به‌نوعی استحال می‌شوند و وضعیت استعلایی می‌یابند.

وقتی فرعون به تحدی برمی‌خیزد، هم‌اوردی ساحران طبق توافق قبلی، برنامه از قبل تعیین‌شده فرعون اجرا می‌شود. ساحران پشتوانه توانشی خود را از جایگاه فرعون استمداد می‌کنند تا بتوانند وارد کنش شوند (شعراء/ ۲۶ / ۴۴). با توکل بر قدرت فرعون، ریسمان‌ها و عصاهای خود را بر زمین می‌افکنند؛ اما ابرکنش رخدادی اعجاز شکل می‌گیرد.

فَالْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تُعْبَانُ مُبِينٌ (۳۲) وَ نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ (۳۳)

فَالْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَأْتِفُ مَا يَأْفِكُونَ (۴۵)

اعجاز را می‌توان ابرکنش رخدادی مبتنی بر مشیت الهی دانست؛ زیرا بروز معنا برق‌آسا بوده، از هیچ برنامه از قبل تعیین‌شده تبعیت نمی‌کند (شعری، ۱۳۸۸: ۲۲). ابرکنش غیر بشری در گفتمانی رخدادی از نوع مبتنی بر مشیت الهی صادره از منبع قدرتمند الهی خلاف عمل دروغین ساحران رقم می‌خورد که نتیجه آن خیره‌کننده است. نظام رخدادی، به دلیل ویژگی نامنتظری، ماهیت شویشی دارد و حواس در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند (همو، ۱۳۹۲: ۹۴). آنچه ساحران می‌بینند بر تمامی حواس و قوه عقل و ادراک آن‌ها تأثیر می‌گذارد و دگرگونی شدید در آن‌ها رقم می‌زند. ساحران در اینجا در فضای گفتمانی موسی<sup>(ع)</sup> با محوریت ربوبیت الهی، دچار تحول درونی می‌شوند و با فشار عاطفی بالا از فضای گفته‌ای فرعون که نسبت به فضای گفته پردازی موسی<sup>(ع)</sup> بیگانه است جدا می‌گردند و با سرعت به عمق مرکز عملیات گفتمان ربوبی موسی<sup>(ع)</sup> جذب و متصل می‌شوند. همه چیز در لحظه رقم می‌خورد (همو، ۱۳۸۸: ۲۰). رابطه تعاملی و درهم‌تنیده ابژه و سوژه، برپایه پذیرش حقانیت از درون است. باور و ایمان در دل ساحران نفوذ می‌کند و کنشی غیرمنتظره رقم می‌خورد:

فَالْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ (۴۶)

قرآن تسلیم ساحران را با «القی: افکنده شدند» تعبیر می‌کند: «چنان تحت تأثیر جاذبه معجزه موسی<sup>(ع)</sup> قرار گرفتند که گویی بی‌اختیار بر زمین افتاده و سجده کردند» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۵/۱۵). در این نوع گفتمان، من شخصی (ساحر) با گذر از تجربه شناختی با قرار گرفتن در وضعیتی شویشی، دچار نوعی استحال می‌شود و به من استعلایی تبدیل می‌گردد، به مرکز گفتمان پردازی رسالت پیوند می‌خورد، و به مرحله کنش وارد می‌شود. این استحال به سبب

وجود فرارزش در گفتمان تبلیغ رسالت است. فرارزش ارزش ارزش و ضامن و تکیه‌گاهی برای ارزش در نظامی حسی ادراکی است (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۹۸). فرارزش توحیدی در اینجا فضایی زیبایی‌شناختی می‌آفریند که به باور درونی و اقتناع منتهی می‌شود. از همین رو ساحران در مسیر خود پایدارند و در برابر تهدیدهای فرعون، هرگز متزلزل نمی‌شوند، بلکه به ایمان خود تصریح می‌کنند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم!» (شعراء/۲۶/۴۸) و برای اینکه جای هیچ ابهام و تردید باقی نماند و فرعون نتواند این سخن را تفسیر دیگری کند، اضافه کردند: «به پروردگار موسی و هارون» (همان: ۴۹).

پاسخ ساحران «قَالُوا لَّا خَيْرَ لَنَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ» (همان: ۵۰)، گفتمان شوشی ادراکی در اصرار بر ایمان است. «لاضیر لنا» بیان‌کننده درونیات آنان و شدت پیوند و ایمانشان به پروردگار است و «منقلبون» ضمن بیان استمرار و دوام امر، از انقلابی کامل بدون تزلزل حکایت دارد (یاسوف، ۲۰۰۶: ۱۷۳). آن‌ها چنان به مرکز گفته‌پردازی «رب» نزدیک می‌شوند که پروردگار را در کنار خود «ربنا» خطاب قرار می‌دهند و از او مغفرت می‌طلبند. تأکید بر «رب» در سراسر این گفتمان‌ها شاید از آن جهت است که «آنچه می‌تواند انسان را به حمد و کرنش و تسلیم و خضوع و اطاعت و رغبت و امید و ... وادارد، ... مالکیتی است که در آن ربوبیت الهی جاری است، آفرینشی که در آن حکمت، علم و تدبیر و رحمت و سیر تدریجی و تکاملی و هدف‌مند موج می‌زند» (ترابی، ۱۳۸۹: ۲۱).

در بخش دیگر در داستان هجرت، سال‌ها بعد از صبر بر ظلم فرعون دستور کوچ به بنی اسرائیل داده می‌شود؛ فرعونیان در پی آنان روانه می‌گردند و یاران موسی<sup>(ع)</sup> میان دشمنان از یکسو و دریا از سوی دیگر محاصره می‌شوند. گفتمان دستوری وحی ابلاغ می‌شود: «ما به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا زن!» تا فرایند زیباشناختی خضوع در اعجاز شکل گیرد. «ناگهان دریا شکافته شد، آب‌ها قطعه‌قطعه شدند، و هر بخشی همچون کوهی عظیم روی هم انباشته گشت! و در میان آن‌ها جاده‌ها نمایان شد» تا سرنوشت قوم با ابرکنشی رخدادی مبتنی بر مشیت خداوند رقم بخورد. فرعون و فرعونیان مبهوت این معجزه به تعقیب موسی و یارانش وارد جاده‌های دریایی می‌شوند و فرمان نابودی (شعراء/۲۶/۶۳-۶۶) صادر می‌شود.

## ۵. نتیجه‌گیری

در نگاه نخست، وجه دستوری وحی این طور به ذهن می‌رساند که گفتمان آیات، گفتمانی روایی بسته است و می‌توان در محور فرایند کنشی روایت و در فضای قطبی تحلیل کرد؛ اما عدم ارزیابی، مطابق فرمول این نوع روایت و نیز اخلال روند برنامه‌مدار بودن نظام گفتمان و حضور عناصر زیبایی‌شناختی نشان می‌دهد. تعامل حسی ادراکی در فرایند روایت مؤثر است و فرایند گفتمان در فضای تنشی بر پایه تعاملات حسی ادراکی و نیز ابعاد زیبایی‌شناختی رقم می‌خورد.

گفتمان آیات بر اساس روابط تعاملی و بیناوابسته در فرایند حسی ادراکی نوسانی برای تصاحب ارزش درونی شکل می‌گیرد. تنش برآمده از تزلزل پایه‌های اعتقادی در ترسیم ربوبیت، سرچشمه گفتمان‌سازی آیات می‌گردد؛ امری که تمام وجود، حافظه و ادراک گنشگران را درگیر می‌کند.

ربوبیت مرکز عملیات گفته‌پردازی است. ابتدا موسی<sup>(ع)</sup> و فرعون در فضای تنشی شکل گرفته سعی می‌کنند با الگوهای گفتمانی، یکدیگر را اقناع و همراه سازند؛ اما در نهایت از هم جدا می‌شوند و خود فضای گفته‌پردازی جدیدی شکل می‌دهند تا بر گفته‌یابان (مردم) تأثیر بگذارند. در فضای تنشی گفتمان فرعون، با فرایند افزایشی و نیز جوسازی‌های تنشی-عاطفی بیشتر، از سبک حضور تنشی عاطفی تبعیت می‌شود و فرعون با روشی برنامه‌مدار دنبال تخطئه موسی<sup>(ع)</sup> و تحدی است. در بخش داستان هجرت نیز در فرایند افزایشی و نیز استفاده از الگوی گفتمان القایی بر سبک گزینشی و حذفی تأکید می‌شود تا مردم از ترس به سمت فضای ارزشی گفتمان او روند.

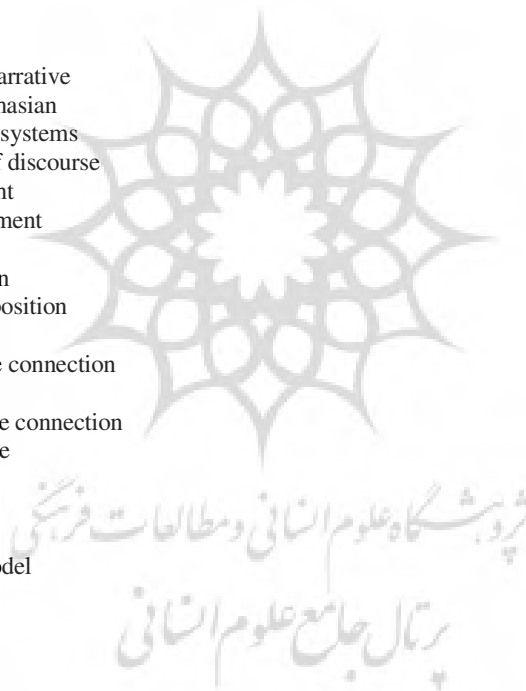
در فضای تنشی گفتمان موسی<sup>(ع)</sup>، ابتدا در فرایند افزایشی به گستره زیاد در فشاره بالا توجه می‌شود و سپس با الگوی اتصال گستره به مرکز عملیات پرفشاره «ربوبیت خداوند»، گفته‌یابان به عمق متصل می‌شوند. در کنار این وجه التفاتی، ابعاد زیبایی‌شناختی متجلی در اعجاز برباطن افراد تأثیر می‌گذارد تا فرارزش توحیدی باوری درونی و پایدار در آنها شکل دهد. در داستان هجرت نیز همین الگوی رخدادی اعجاز به رقم خوردن نتیجه روایت منجر می‌شود.

متناسب با هدف آغازین گفتمان، نتیجه نهایی نیز از سوی خداوند به‌عنوان کنش‌گزار اصلی چنین روایت می‌شود: «ما فرعونیان را از باغ‌ها و چشمه‌ها بیرون کردیم و بنی‌اسرائیل را وارث

قراردادیم» (شعراء/۲۶/۵۷-۵۹). سرانجام، نابودی فرعونیان و نجات بنی‌اسرائیل به اراده‌ی الهی محقق می‌شود یعنی کنش‌گزار اصلی، موسی<sup>(ع)</sup> نبوده‌است که با به‌دست آوردن پیروزی یا عدم پیروزی مورد ارزیابی قرار گیرد؛ بلکه کنش‌گزار اصلی خداوند است و موسی<sup>(ع)</sup> واسطه‌ی ارتباط ابژه (مردم) در فضای تنشی هدایت است. با این روایت قلب پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به‌عنوان مخاطب اولیه آیات آرام می‌گیرد تا بداند او کنش‌گزار اصلی نیست و خداوند خود، همه امور را تدبیر می‌کند.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. cognitive
2. emotional
3. semiotic narrative
4. post-Greimasian
5. discursive systems
6. instance of discourse
7. engagement
8. disengagement
9. utterance
10. enunciation
11. taking of position
12. extensity
13. disjunctive connection
14. intensity
15. conjunctive connection
16. J.Fontanille
17. Courtés.J
18. center
19. horizen
20. tensive model
21. evaluation
22. opponent
23. Helper
24. sender
25. object
26. evaluation
27. competence
28. amplification
29. diffused



30. tonic
31. mode of efficiency
32. manipulation
33. persuasion
34. exclusive mode
35. concentrated
36. depth
37. ascendancy
38. intentional
39. Co-communication
40. aesthetics
41. aesthesie

## ۷. منابع

- قرآن کریم.
- احمدی، بابک (۱۳۸۸). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- آیتی، اکرم (۱۳۹۲) «بررسی نشانه - معنانشناسی گفتمان در شعر «پی دارو چوپان» نیما یوشیج». *جستارهای ادبی*. ش ۱۸۰. صص ۱۰۵-۱۲۴.
- بابک معین، مرتضی (۱۳۸۳). «سیر زایشی معنا». *مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*. چ ۱. تهران: فرهنگستان هنر.
- پاکتچی، احمد و همکاران (۱۳۹۴). «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره «قارعه»، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی». *جستارهای زبانی*. دوره ۶. ش ۴ (پیاپی ۲۵). صص ۳۹-۶۸.
- ترابی احمد (۱۳۸۹). «ربوبیت و تربیت». *پژوهش‌های قرآن*. س ۱۶. ش ۶۱. صص ۴-۲۱.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله و ابراهیم کنعانی (۱۳۹۰). «بررسی الگوی نشانه‌معنانشناسی گفتمانی در شعر قیصرامین‌پور». *پژوهشنامه زبان و ادب فارسی*. س ۵. ش ۲. صص ۱۱۵-۱۳۶.
- حق‌بین، فریده و فهیمه بیدادیان قمی (۱۳۹۲). «بررسی نشانه‌معنانشناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره قیامت بر پایه مطالعات نشانه‌شناختی گرماس». *زبان‌شناخت*. س ۴. ش ۲. صص ۵۱-۷۴.
- خراسانی، فهیمه (۱۳۸۹). *بررسی ساختار روایی داستان سیاوش بر پایه نظریه نشانه‌معنانشناسی روایی گرمس*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی.

- دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
- خرسندی سرتیشیزی، سعید (۱۳۷۹). *استدلال و احتجاج در قرآن*. تهران: نشر آصف.
  - خلف‌الله، محمداحمد (۱۹۷۲). *الفن القصصی فی القرآن الکریم*. مکتبه الانجلو المصریه.
  - داودی مقدم، فریده (۱۳۹۲). «بازنمایی انسجام در داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> بر اساس تحلیل نشانه معناشناسی گفتمانی». *هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*. صص ۷۶۰-۷۷۲.
  - ..... (۱۳۹۳). «تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان در قصه یوسف<sup>(ع)</sup>». *آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*. ش ۲۰. صص ۱۷۵-.
  - ..... (۱۳۹۳). «تحلیل ادبی زبانی داستان قرآنی موسی<sup>(ع)</sup> و خضر از منظر نظام‌های گفتمانی». *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*. س ۲. ش ۳. صص ۱۵۸-۱۶۴.
  - سعادات مصطفوی و همکاران (۱۳۹۲). «کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی، نشانه‌شناسی فرایندهای گفتمانی «کرامت» در قرآن با تکیه بر الگوی تنشی». *پژوهشنامه تفسیر و زبان*. ش ۲. صص ۲۴-۴۲.
  - شریفی، حدیث و فواد نجم‌الدین (۱۳۹۳). «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن». *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*. ش ۵. صص ۴۷-۷۲.
  - شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۱). *مبانی معناشناسی نوین*. تهران: سمت.
  - ----- (۱۳۸۵). *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان*. تهران: سمت.
  - ----- (۱۳۸۶). «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه - معناشناسی». *هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
  - ----- (۱۳۸۷). «روش مطالعه گفته‌ای و گفتمانی در حوزه نشانه - معناشناسی». *مقالات سومین هم‌اندیشی نشانه - شناسی هنر*. تهران: فرهنگستان هنر.
  - ----- (۱۳۸۸). «از نشانه - شناسی ساختگرا تا نشانه - معناشناسی گفتمانی». *نقد ادبی*. س ۲. ش ۸. صص ۳۳-۵۱.
  - ----- و همکاران (۱۳۹۲). «تحلیل نشانه معناشناختی شعر باران». *ادب پژوهی*. ش ۲۵. صص ۵۹-۸۹.
  - ----- (۱۳۹۵). *نشانه معناشناسی ادبیات*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت

مدرس.

- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۵.
- فضل‌الله، محمدحسین (۱۳۸۹). *گفت‌وگو و تفاهم در قرآن کریم*. ترجمه سید حسین میردامادی، ج ۲. تهران: هرمس.
- قهرمانی، مریم (۱۳۹۲). *ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان رویکرد نشانه‌شناختی*. تهران: مؤلف.
- مجد فقیهی، محمدعلی و روح‌الله دهقانی (۱۳۹۴). «بررسی تفسیری تکرار قصه حضرت موسی (ع) در قرآن». *فصلنامه مطالعات تفسیری*. س ۶، ش ۲۲، صص ۷-۲۴.
- محمدی، محمدهادی و علی عباسی (۱۳۸۱). *صمد: ساختار یک اسطوره*. تهران: چیستا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میر، مستنصر و حسین عبدالرئوف (۱۳۹۰). *مطالعه قرآنی به منزله اثر ادبی*. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: نیلوفر.
- یاسوف، أحمد (۲۰۰۶). *دراسات فنیة فی القرآن الکریم*. سوریه: دارالمکتبی.

## References

- Ahmadi, B. (2009). *Structure and Text Interpretation*. Tehran: Markaz [In Persian].
- Ayati, A. (2013). "Semiotic analysis of discourse in Nima Youshij's poem 'Peydar-o cho'". *Literary queries*. No. 180, Pp.105-124 [In Persian].
- Babak Moein, M. (2004). *Generative itinerary of Signification. Proceeding of First Symposium of the Semiotics of art*. 1st edition. Tehran: Academy of Art [In Persian].
- Courtés, J. (1991). *Analyse Sémiotique du Discourse. De L'Enoncé a l'Enonciation*. Paris: Hachette.
- Davoudi Moghadam, F. (2013). "The representation of consistency in the story of Prophet Ibrahim (AS) based on semiotics of discourse". *The 7th Conference on*

- Persian Language and Literature*. Pp. 760-772 [In Persian].
- Davoudi Moghadam, F. (2014). "Literary-linguistic analysis of the Qur'anic story of Moses and Khizr from the viewpoint of discourse systems". *Literary and Qur'anic Studies*, 2<sup>nd</sup> Year, No. 3. Pp. 158-164 [In Persian].
  - Davoudi Moghadam, F. (2014). "Analysis of Semiotics Discourse in the story of Prophet Joseph (AS)". *Quranic teachings, Razavi Islamic University*. No. 20. P. 175 [In Persian].
  - Fazlullah, M. H. (2010), *Conversation and Understanding in the Holy Quran*. Translated by Seyed Hussein Mirdamadi, 2th edition. Tehran: Hermes [In Persian].
  - Fonanille, J. (1998). *Sémiotique Du Discourse*. Limoges. PULIM.
  - Gahramani, M. (2013). *The Translation and Critical Discourse Analysis: Semiotic Approach*. Tehran: Moaelf [In Persian].
  - Haghbin, F. & F. Bidadian Qomi (2013). "Semiotic study of the Verses Qiyāmat and Ma'ādīn Surah Qiyāmat; Based on Greimas Semiotic Studies". *Language Studies*. 4th yeqr, No. 2, Pp. 51-74 [In Persian].
  - Hassan-Zadeh Mir A.; A. & I. Kanaani (2011). Study of semiotics of discourse 's patterns in Gheisar-e- Amin Pour poem". *Persian Language and Literature Research Center*. 5<sup>th</sup> Year, No. 2. Pp. 115-136 [In Persian].
  - Khalifa Allah, M. A. (1972). *Art in the Holy Quran*. Anglo-Egyptian Library [In Persian].
  - Khorasani, F. (2010). *A Study on the Stylistic Structure of Siavash Story based on Sign-Semantics Theory of Greimas*. M.A Thesis in Persian Language and Literature. Tarbiat Modares University. Faculty of Humanities. Tehran [In Persian].
  - Khorsandi Sartishenzi, S. (2000). *Argument and reasoning in the Quran*. Tehran: Nashr Asif [In Persian].
  - Majd Faghihi, M. A. & R. Dehghani (1394). "A comparative study on the



- frequency of Musa`s story in Quran”. *Journal of the Holy Quran and Islamic Texts*. Year 6th .No. 22. Pp. 7-24 [In Persian].
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemooneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-islamiyah, Islamic Republic of Iran [In Persian].
  - Mir, M. & H. Abdul Rauf (2011). Qur'anic study of literary work. Translated by Abolfazl Hariri. Tehran: Niloufar [In Persian].
  - Mohammadi, M. H. & A. Abbasi (2002). *Samad: The Structure of a Myth*. Tehran: Chista [In Persian].
  - Pakatchi, A. et al. (2015). “Tensive semiotics of discourse in Surat Al-Qāriah; a new approach in semiotics of the Quranic discourse”, *Language Related Research*. 6th period, No.4, (25th period) Pp. 39-68 [In Persian].
  - Saadat Mostafavi et al. (2013). “Tensive Semiotics of "Kirammat" (dignity) in the Quranic discourse”. *Journal of Qur'anic Interpretation and language*. 1st Period, No.2. Pp. 24- 42 [In Persian].
  - Shairi, H. R. (2007). “A survey of variety of discourse systems from semiotic point of view”. 7<sup>th</sup> Iranian Linguistics Conference. Tehran: Allameh Tabataba'i University [In Persian].
  - ----- (2002). *The foundations of Modern Semantics*. Tehran: SAMT [In Persian].
  - ----- (2006). *Semiotic Analysis of Discourse*. Tehran: SAMT.[In Persian].
  - ----- (2008). “Methods of exploratory and discursive studies in semiotics”. *Proceeding of first symposium of the Semiotics of Art*. 1st edition. Tehran: Academy of Art [In Persian].
  - ----- (2009). “From structuralism semiology to semiotics of discourse”. *Literary criticism*. Year 2, No.3, Pp. 33-51[In Persian].
  - ----- (2013). “Semiotic analysis of Baran poem”. *Literary Studies*. No.25. Pp.59-89 [In Persian].

- ----- (2016). *Semiotics of Literature*. Tehran: Tarbiat Modares University Press [In Persian].
- Sharifi, H. & F. Najm al-Din (2014). "A Semiotic analysis of the discourse of Sora Al-Rahman". *Journal of Qur'anic Interpretation and language*. No. 5, Pp. 47-727 [In Persian].
- Tabatabaei, S. M. H. (1996). *Al-Mizān fī tafsīr al-Qur'ān*. Qom: The Islamic Bookstore of Qom Scientific Foundation. 5<sup>th</sup> edition [In Arabic].
- Torabi, A. (2010). "Loyalty and Education". *Quranic Research*. 16<sup>th</sup> Year No.61, Pp. 4-21 [In Persian].
- Yusef, A. (2006). *Artistic Studies in the Holy Qur'an*. Syria: Dar al-Maktabi [In Arabic].

